

# جنایت های ضد انقلاب را در خوزستان

## محکوم می کنیم

توطئه های ضد انقلابی، که از فردای پیروزی انقلاب در منطقه حساس خوزستان انجام میگرفت، در روزهای اخیر دامنه وسیعی بخود گرفته است. خرابکاران در قطار خرمشهر، بازار خرمشهر و تأسیسات نفتی بمب گذاشته و در چند نقطه مسلمانان به تأسیسات مخبراتی حمله کرده اند. بر اثر انفجار این بمبها، چند ده نفر از مردم بیگناه کشته و زخمی شده اند.

این گونه اقدامات وحشیانه با مبارزات سیاسی حق طلبانه مردم خوزستان، که خرابکاران گاه میکوشند سیمای واقعی خود را در پشت سر آنها پنهان کنند، کمترین رابطه ای ندارد. این جنایتی است فحیح درخور جنایتکاران حربه ای، که در خدمت سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل و متحدین مستقیم و غیر مستقیم آنها قرار دارند.

چنانکه میدانیم، توطئه و تحریک در خوزستان از فردای انقلاب آغاز شد. عوامل شناخته شده ضد انقلاب و آدمکشان ساواکی، روزی اختلاف عرب و فارس و زمانی دعوی شیمه و سنی را دستاویز توطئه چینی قرار دادند. ولی تلاش آنها برای کوشش و تندبیر رهبری انقلاب و مقامات آگاه انقلابی در استان خوزستان، با شکست مواجه شد و نقاب از چهره کریه مأمورین شناخته شده ساواک، که رهبری اجرائی این توطئه ها را بدست داشتند، بر افتاد.

اینک توطئه گران به آخرین حربه، یعنی جنایت آشکار و ایجاد وحشت متوسل شده اند، تا شاید رهبری انقلاب و مقامات دولتی محلی را، که در جهت انقلاب گام بر میدارند، تضعیف کرده ثبات اوضاع را در خوزستان و سرتاسر ایران برهم زنند، تشدید دسیسه چینی و خرابکاری در خوزستان هم با تشدید درگیریهای انقلاب و ضد انقلاب در داخل کشور هم با سیاست کلی تجاوز کارانه امپریالیسم بسر کردگی امپریالیسم امریکا، در خلیج فارس و خاور میانه بر بوط است.

ضد انقلاب میکوشد با ارتکاب جنایتهای وحشیانه، اعصاب مردم و برخی از مقامات حاکم را تحریک کند و محیط خشم، بی اعتمادی و خشونت را بر سرتاسر کشور حاکم گرداند. متأسفانه تجربه ماههای پس از انقلاب برای ضد انقلاب تشویق کننده است. هر بار که عوامل ضد انقلاب و مزدوران امپریالیسم دست به ترور و جنایت زده اند، محافل در دستگاه حاکم کوشیده اند تا از این حادثه برای تغییر سمت انقلاب بهره گیرند و بجای جنایتکاران، بخشی از نیروهای صدیق انقلابی را مورد حمله قرار دهند؛ سکا را بکشایند و سنگ را به بندند.

در صفحه ۲

## تحلیلی از اوضاع جهان (۲) روند واحد انقلاب جهانی

بقیه در صفحه ۶

بمناسبت باز شدن دفتر «مردم»  
بر اثر غزل مشهور مولوی.

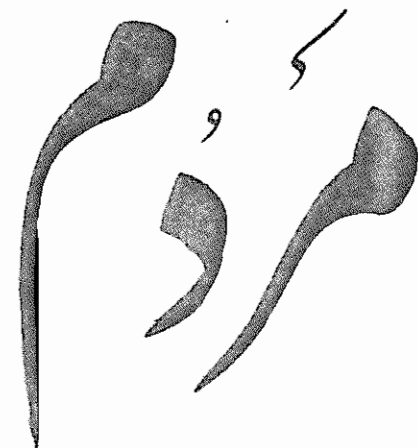
## باز گشائی

ای توده کجائید؟ بیائید! بیائید!  
بدرخانه خود در به گل و نقل گشائید!  
شد بار دگر نوبت شادی من و تو  
غمم از بر ما رفت و ستم دیر نپائید  
یساران خطر کار، دگر باره رسیدند  
وقت است که این غربت جانسوز در آئید!  
گر چند گهی صحبت «مردم» نشنیدید  
امروز به همخوانی اونغمه سر آئید!  
از یار بخواهید یکی شمع شب افروز  
بر راه روان دل شب، راه نمائید!

۹ مهر ۱۳۵۸

## نفوذ و اعتبار حزب توده ایران بر غم دشواریها و مخالفتها گسترش می یابد

حزب توده ایران، که در سراسر تاریخ ۳۸ ساله خود تنها هفت سال و اندکی (یعنی از بدو تأسیس تا توطئه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷) از امکان فعالیت علنی و قانونی و نسبتاً آزاد برخوردار بوده است، اینک قریب ۸ ماه است که بیرکت پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، که خود در راه به نمر رسیدن آن حتی یک روز از مبارزه و ایثار باز نایستاده، در بقیه در صفحه ۳



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۹۰  
دوشنبه ۱۳۵۸/۰۹/۱۶ - تگ شماره ۱۰ ریال

## همه نیروهای انقلابی

### باید به حل مسأله آمیز و عادلانه مسأله کردستان کمک کنند

آتش تضامات ناخواسته ای که در کردستان افروخته گشته، هر روز زنده گانی عده ای از فرزندان بی گناه کشور تازه از بند رسته ما را، که بیش از هر چیزی به وحدت و ثبات و آرامش واقعی نیازمند است، در لهیب خود به خاکستر مبدل و فضای میهن ما را مسموم میسازد.

حزب توده ایران از همان آغاز چرخش ناکوار حوادث کردستان آشکارا میدید که ما در کردستان نه با حرکات دایمانی، بلکه با چیزی بیشتر از آن سر و کار داریم و مسئولان سیاسی و محافل اجتماعی و مردمی کشور باید به فکر چاره معقول آن باشند.

در جراید کشور گاه مطالب با ارزشی در این زمینه انتشار مییابد که از آنجمله است انتشار برخی مقالات شخصیتهای روحانی و سیاسی و علمی در این مورد که، باید به کنگه مسأله ملی بطور اعم و مسئله کردستان بطور اخصی برد و خواستهای مشروع و میرم خلق کرد را، آنچنان که سزاوار نام و مقام انقلاب بزرگ ما و جمهوری اسلامی ایران است، بر آورده ساخت. ولی متأسفانه اینگونه مقالات و اظهار نظرهای جدی و ناشی از حسن نیت و مسئولیت، اغلب در میان سلی از اخبار و اظهارات تحریک کننده ناپدید میگردد. درست است که در فلان شهر درگیری رخ داده و در فلان گردنه راه را بر خود روا بسته اند و غیره... ولی این حوادث نمره سر تا پا مسموم آن سیاستی است که امپریالیسم و صهیونیسم و بقایای رژیم منقره پهلوی بر ما تحمیل کرده و تقییم میکنند، وظیفه مطبوعات، ساختن اخبار جنجالی از دست پخت زهر آلود این ابلهسان نیست.

بنظر ما، وظیفه هر روزنامه نگار مسئول اینست که از سطح ظاهری اخبار به عمق آنها رسوخ کند و بر شد آن پدیده های نو و نشانه های امید یاری نماید، که گرچه هنوز جوانه های بیش نیستند، ولی در صورتیکه از روی امانت، با صداقت و روشی منطقی، در پرتو آفتاب خرد خلقی از آنها مواظبت شود، بی شک بدرخت باروری مبدل خواهند شد.

بقیه در صفحه ۳

روزنامه «مردم»، طبق اعلامیه ها، اسناد و دیگر رهنمود های حزب توده ایران، همیشه با یکپهری و قاطعیت کوشیده است تا این آتش با ارضای خواستهای مشروع خلق کرد خاموش گردد. عدالت و برادری و آرامش برقرار شود، دوستی و وحدت خلقهای میهن ما، این ضامن استوار استقلال و آزادی ایران، از هرگز نسی مصون بماند و جمهوری اسلامی تازه پای ایران، که به بهای یک دریا خون فرزندان خلق به وجود آمده است، استقرار و ثبات خلقی بیابد.

روشن است که احساسات پاک و آتشین نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی یکی از شرایط ضروری برخورد درست نسبت به منافع انقلاب و جمهوری اسلامی است. ولی احساسات تنها به هیچوجه کافی نیست. باید با بصیرت علمی در گوهر و کنگه رویدادهای جامعه رسوخ کرد و با درک واقعیات و تعمق در عمل رویدادها، راه مردمی کشودن گرورها را پیدا کرد. بر مبنای این شیوه علمی و درست است که حزب توده ایران راه حل مسأله آمیز را یگانه راه حل درست و انسانی مسأله کردستان میدانند و هر روز، با اعتقاد راسخ بر درستی این نظر، بر روی پیشنهاد خود پافشاری میکنند.

در اینجا میخواهیم به نقش بسیار بزرگی که مطبوعات کشور میتوانند در این امر خیر بازی کنند، اشاره کنیم و هم قلمان محترم خود را برای کمک به جامعه و بدولت جمهوری اسلامی ایران برای حل مسأله آمیز و دمکراتیک مسأله کردستان دعوت کنیم.

درباره مصوبات مجلس خبرگان (۵)

## «مردم»، بررسی اصول قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان را ادامه میدهد

بقیه در صفحه ۲

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

# درباره مصوبات مجلس خبرگان (۵)

در شماره‌های گذشته «مردم»، بسیاری از اصول مصوبه مجلس خبرگان را، به ترتیب تصویب آنها، مورد بررسی قرار دادیم و آنها را با متنی که قبلاً بعنوان پیش‌نویس قانون اساسی بمردم عرضه شده بود، مقایسه کردیم و نشان دادیم که نه تنها متن در جهت تضعیف و تحریف تغییر یافته، بلکه بطور عمده بجای پیش‌نویس، که بخاطر بررسی آن انتخابات مردادماه انجام گرفته بود، متن جدیدی تدوین و تصویب میشود. ما همچنین نظریات حزب توده ایران را در پیوند با هر موضوع خاطر نشان ساختیم تا بیان انتقاد و اظهار نظر بطور سازنده و بپیشنهاد لازم مربوطه همراه باشد در این زمینه بروشنی دیده میشود که نامه سرگشاده حزب ما به دولت و پیشنهادهای ضمیمه آن در تیرماه گذشته، همچنان فعلیت و حدت خود را حفظ میکند. اینک به ادایه بررسی مواد مصوبه میپردازیم:

بدون آنکه «موازین اسلام» شالوده فعالیت سیاسی و مسلکی اش باشد، مرام و برنامه خود را اصولی قرار میدهند که بخاطر آن تشکیل شده (استقلال، صلح، ...) و افراد صاحب مذاهب مختلف و عقاید فلسفی گوناگون را در خود گرد میآورد.

ماده مربوط با آزادی فعالیت احزاب، با این ترتیب، اگر چه حد کمال نیست، با اینحال بطور عمده پاسخگوی مطلب هست. در ضمن بحث، نمایندگان لزوم فعالیت همه احزاب دارای ایدئولوژیهای مختلف را خاطر نشان ساختند و یکی از آنها گوشزد کرد که: «اگر بخواهیم جلوی آزادی را بگیریم، لازمه اش سازمان امنیتی است که قبلاً بود و دیدیم که نتوانست.»

یک نمونه مهم از مواد پیش‌نویس، که در متن جدید محتوی دیگری یافته و حتی در جای دیگری قرار گرفته، اصل بسیاریم پنجم سابق است که در واقع مربوط بحقوق خلقها بود. پیش‌نویس چنین تصریح میکرد: «همه اقوام از قبیل فارس و ترک و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن و نظائر آنها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند...» روشن است که، علیرغم واژه اقوام، در اینجا صحبت بر سر ملتها و خلقها نیست که در کشور کثیر الملل و واحد ما زندگی میکنند و میبایست حقوق مساوی داشته باشند و در راه حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران واحد، داوطلبانه بکوشند و از مین تفرقه نپذیرند و مشترک و یگانه خویش پاسداری کنند.

ناهم‌بدرن این اقوام در متن پیش‌نویس و شناختن حقوق کاملاً مساوی آنها، درست برخلاف جهت سیاست شاه مخلوع و حکومت سلطنتی چهار بود که خلقهای غیر فارس مین ما را در زیر ستم ملی جانگاہی نگه میداشت. شایسته جمهوری اسلامی است که در قانون اساسی خود این حق کاملاً مساوی را بر سر مین بشناسد. ولی در متن جدیدی که مجلس خبرگان تهیه دیده موضوع به اصل ۲۵ نقل مکان کرده و چنین نوشته شده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». این فرمول جدید به هیچ وجه جوابگوی خواست مردم و شایسته انقلاب نیست. ذکر قوم و قبیله بازم بیشتر مطلب اساسی را در برده میگذارد. بجای آنکه حق مساوی خلقهای ایران به تصریح اعلام شود، از ذکر واژه خلق یا ملت یا ملیت خودداری میشود و با اضافه کردن قبیله و قوم، که مقولاتی مربوط به نظامات پیشین است و مفهوم دیگری را میرساند، از طرح وحل درست و اساسی مسئله طفره رفته میشود. با اضافه کردن «رنگ و نژاد» در کنار زبان، این اصل بیشتر صورت یک اصل مربوط به تمییز نژادی را میگیرد تا رفع ستم ملی و تساوی همه خلقها، بویژه که از پیش نویس قید بسیار مهم «فارس و ترک و کرد و بلوچ و عرب و ترکمن» که بی‌انگیز و اقیمت موجود کشور ما بود، حذف شده است.

این تنها ابهام و کشماری و دودپهلوی بودن نیست، تحریف کامل پیش‌نویس است. با این ترتیب مسئله ملی، که اینهمه در کشور ما حساس است، حل نشده باقی میماند. ولی مسلم است که بسود جمهوری اسلامی ما نیست که این مسئله، همچنان مسئله لاینحل باقی بماند و دستاویز انواع تحریکات و توطئه‌چینی‌هایی شود که تنها برفع امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود. در متن مصوبه قانون اساسی از خود مختاری، که شالوده مستحکم وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور است و از حقوق فرهنگی و اداری بر پرورد واحد ملی، که میتواند توسط شوراهای هر استان یا شهرستانی که محل اقامت خلقها یا اقلیتهاست، اعمال شود، متاسفانه صحبتی در میان نیست.

علاوه بر آنچه در پیش نویس بود و با تصریح حق مساوی همه خلقها و آنچه که کمیته مرکزی حزب ما در اعلامیه ۱۶ تیر ۵۸ خود آنرا «تأخیر و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران» نامید، بنظر ما همچنانکه در پیشنهادهاى حزب ما به هیئت دولت قبل انتخابات مجلس بررسی گفته شده، می‌بایست در قانون اساسی چنین تصریح گردد که:

«تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند که حدود آنرا قانون تعیین میکنند. زبان مورد تکلم هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد.»

زندگی نشان داده است که تا چه اندازه مسئله ملی در کشور ما حائز اهمیت است و حل آن حدت و فعلیت دارد. زندگی نشان داده است که ضد انقلاب امپریالیستها، صهیونیستها و عمال و بقایای رژیم سابق می‌کوشند از باقی ماندن وحل نشدن این مسئله بسود خود، برای خرابکاری در امر انقلاب سواستفاده کنند، تنها راه جلوگیری از این رسایس، تنها راه استحکام وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی، تنها راه دوستی پایدار و بیخنده همه مردم ایران، بر سر مین شناختن حقوق حقه ملی و تأمین خود مختاری در چهارچوب استقلال و تمامیت ارضی وحدت ملی سراسری ایران است. قانون اساسی وظیفه دارد شالوده حقوقی حل این مسئله مهم و حیاتی را بریزد. متن مصوبه مجلس خبرگان از چنین شالوده‌ای بسیار بدور است. در حالیکه یک نظام شورائی راستین و خلقی با احترام بنظر و رای مردم هر محل میتواند بهترین شیوه حل مسئله را در دسترس بگذارد.

این بحث ادامه دارد

اصل ۲۵، که در پیش نویس موجود نیست، مربوط است به تاریخ مورد استفاده در کشور. از متن جدید هر دو تاریخ شمسی و قمری از مبداء هجرت محترم شناخته شده، منتهی تصریح گردیده که مبنای کارادارات دولتی تاریخ هجری شمسی است. با این تصریح، بررسی که در مورد اصل اول و افزودن تاریخ هجری قمری در کنار هجری شمسی مطرح شده بود (مردم، دهم مهر ۵۸) بیشتر تأکید می‌گردد. اصل ۲۶ همچوگه اگر و مگر و قید و شرط ندارد و صریح و روشن بیان شده است که: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده مورد تعرض و مواخذه قرارداد.» در این مورد نمایندگان مجلس خبرگان، در شان مجلس بررسی قانون اساسی عمل کرده‌اند و ماده‌ای روشن و بدون ابهام و غیر قابل تفسیر از نظر شکل، و معنی و خلقی از نظر محتوی، آنچنانکه شایسته است، عرضه داشته‌اند.

اما در اصل ۲۷ مصوبه، «حیثیت و جان و مال و حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون» شناخته شده است. تفاوت این اصل مصوبه با طرح پیش‌نویس در آنست که، قبلاً کلمه «مال» در متن نبود و اکنون اضافه شده است. این مطلب کوچکی نیست و نمیتوان بسادگی از آن گذشت مال شخصی البته باید از تعرض مصون باشد. ولی صحبت بر سر آنست که آیا از این اصل قانون اساسی، زورمندان، بهره‌کشان متنفع و مستکبرین برای حفظ «مالکیت خصوصی استثمارگرانه» سواستفاده نخواهند کرد؟ آیا کسانی درصدد برنج خواهند آمد که، بعنوان مصون بودن «مال»، وسایل بزرگ تولید را در دستهای خود متمرکز کنند و مانع اجرای برنامه‌های اقتصادی به سود اکثریت مردم و اجرای عدالت و تأمین رفاه زحمتکشان شوند؟

آیا کسی هست که نداند «مال» این سرمایه‌داران وابسته، این زمینداران بزرگ، این زلولوهای اجتماع، این ثروتمندان چهاولگر، این وابستگان بدربار، این طاغوتیانی که جان تمامی خلق از دستشان به لب آمده بود، «مالی» نیست که باید از «تعرض» مصون باشد؟ اینها «مال» همان بدبختان و محرومان و باصطلاح کنونی مستضعفان یا استثمار شونده‌گان است که بزور، با حیل، با بهره‌کشی از آنها برده شده است. اینها «مال» مردم است و باید با آنها باز گردد. همانطور که «مال» بنیاد پهلوی از تعرض مصون نماند و نمی‌بایست مصون بماند، «مال» این غارتگران و ملیونها و ملیاردها تیکه از طریق استثمار مردم و بندوبست با درباریان و امپریالیستها از طریق تجارت های نامشروع و ربا خواری و سفته بازی و زمین خواری و مقابله کارهای آنچنانی، از طریق قبول عاملیت انحصارهای بیگانه و غیره و غیره بدست آمده است، نمی‌بایست «از تعرض مصون» باشد. وقتی ما با آنکه و بیمه‌ها و برخی موسسات بزرگ صنعتی را ملی میکنیم، یعنی معتقدیم که «مالی» هم وجود دارد که وظیفه انقلاب ماست که با آنها تعرض کند، تا اهداف انقلاب را بر آورد. اگر چنین نکنند، جانب زحمتکشان و منافع کشور را نخواهد گرفت، جانب غارتگران، جانب ضد انقلاب، جانب ایادی دربار و امپریالیسم را خواهد گرفت. ذکر کلمه کلی «مال» در این اصل قانون اساسی، مسلماً مورد سوءاستفاده‌های فراوان قرار خواهد گرفت و اصول سیاست اقتصادی جمهوری را خدشه دار خواهد ساخت. متن قبلی پیش‌نویس چنین کلمه ای را نداشت و روشنتر و صریحتر بود و معلوم بود که صحبت بر سر حفظ تملقات شخصی و حیثیت و آزادیهای فردی است، متن جدید مصوبه مجلس خبرگان، با افزودن همین یک کلمه، تمامی روح و مفهوم را تغییر داده و آنرا غیر قابل قبول ساخته است.

در اصل بسیاریم آزادی احزاب و جمعیتهای، که در اصل ۳۰ بتصویب رسیده، محتوی اساسی خواست مردم، که در پیش نویس نیز منعکس بود، باز یافته است. این اصل «آزادی تشکیل احزاب و جمعیتهای و انجمنهای سیاسی و صنفی و اسلامی و اقلیتهای دینی شناخته شده» را تضمین میکند و البته شرایطی را هم که در اساس ناظر بر احترام به «استقلال و آزادی و وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی» است، ذکر میکند. در پیش نویس قید «موازین اسلام» نبود و در متن کنونی اضافه شده است. روشن است که هر حزب سیاسی و جمعیت و انجمن سیاسی و صنفی، که بخواهد فعالیت قانونی و علنی در جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، میبایست «اساس جمهوری اسلامی» را نقض نکند. بنظر بسیاری از ناظران همین شرط که در پیش نویس بوده، برای بیان مطلب کافی بود و اضافه شدن عبارت «موازین اسلام»، با اینکه گره‌گشای مسئله نژادهای نیست، میتواند مستمسکی برای اعمال فشارهایی باشد. ولی همین امر که بیروان سایر ادیان حق دارند، به شرط نقض نکردن «موازین اسلام»، جمعیت و انجمن خود را داشته باشند، نشان میدهد که وجود این عبارت نمیتواند احتمالاً در دست کسانی که تمایل بحدود کردن فعالیت آزادانه احزاب و جمعیتها را دارند، وسیله‌ای برای تحدید آزادی و ممانعت از فعالیت آزادانه احزاب سیاسی باشد.

روشن است که احترام به موازین و نقض نکردن آن مطلبی جداگانه از مبنای قرارداد است. مثلاً یک سازمان صنفی میتواند افراد مختلفی را، که دارای عقاید مذهبی و سیاسی مختلف هستند، ولی خواستهای صنفی مشترک دارند، در خود گرد آورد. «موازین اسلام» مبنای کار و تشکیلات و فعالیت این سازمان صنفی نیست، ولی این سازمان آنها را نقض نمیکند. یا یک حزب و گروه سیاسی، که بخاطر مثلاً دفاع از استقلال یا دفاع از صلح تشکیل

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران جنایت‌های ضد انقلاب را در خوزستان محکوم می‌کنیم

بقیه از صفحه ۱

ضد انقلاب، با توجه به این تجربه، امیدوار است که یکبار دیگر تعادل سیاسی را با توطئه‌گری برهم زند و توجه مقامات حاکم را از کار و اقدام انقلابی و سازنده و مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و صهیونیسم باز دارد و آنها را علیه بخشی از نیروهای صدیق انقلابی تحریک کند و در نتیجه خود گام تازه‌ای بجلو بردارد. از حادته آفرینیهائی نظیر یاوه‌درهمین جهت استفاده شد.

در شرایطی که دشواریهای بزرگی در کردستان پدید آمده و رفع آن نیازمند محیط آرام و بکارگرفتن تدبیر و خردمندی است، ضد انقلاب عمداً ماجرا سازی میکند تا از پیدایش محیط سالم جلو گیرد و با خون و خشم و خشونت حل عاقلانه مسائل و دشواریها را مانع شود.

از سوی دیگر توطئه و تحریک در خوزستان با سیاست کلی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خلیج فارس و خاور میانه پیوند دارد. امپریالیسم آمریکا و متحد تجاوزکارش اسرائیل سالهاست که با سیاست حساب شده‌ای از برقراری صلح عادلانه در خاور میانه عربی و پذیرش حقوق حقه خلق فلسطین جلو گیری کرده و این منطقه را بصورت کانون تشنج و تحریک حفظ کرده‌اند. آنان مایل نیستند که اوضاع ایران بسود انقلاب تثبیت شود. «ما اکنون، به اشاره و اشکنتن و لندن، در برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس علیه ایران دیسه‌چینی میشود. سخن از انعقاد پیمان جدیدی نظامی از ارتجاعی‌ترین نیروهای خلیج فارس با شرکت مستقیم آمریکا و انگلستان است. واحدهائی از نیروهای ضربتی سادات به عمان و برخی از مناطق خلیج اعزام شده‌اند. سردمداران آمریکا کشورهای خلیج فارس را آشکارا به دخالت نظامی تهدید میکنند و برای اشغال نظامی منطقه از تدارک نیروی ضربتی صدوده هزار نفری و استقرار قوا در مسیر دم مینند. هدف نزدیک همه این توطئه‌ها و تحریکات انقلاب ایران است.

تنها در چهارچوب این سیاست کلی امپریالیستی است که میتوان خرابکاریها و جنایت‌هایی را که در کشور ما بویژه در منطقه حساسی چون خوزستان انجام میگیرد، درنگ و بدترستی ارزیابی کرد. بدون شك عوامل محلی - چه داخلی و چه خارجی - نیز در این توطئه‌ها شریکند. خوزستان پس از انقلاب یکی از مراکز تجمع سواکیها بوده و هست. خوزستان مرزهای آبی طولانی دارد که بزحمت قابل کنترل است و محافل ارتجاعی و رژیمهای ماجراجوی همسایه خوزستان، و از جمله رژیم بعثی عراق، از تأثیر انقلاب ایران بیمناکند. ولی همه این عوامل تنها بایسن دلیل میتوانند عمل کنند و عمل میکنند که مورد پشتیبانی امپریالیسم آمریکا قرار دارند.

حزب توده ایران اقدامات خرابکارانه و جنایات آدمکشانه حرفه‌ای را در خوزستان محکوم میکند و از همه مبارزان آگاه و انقلابی میطلبد که علیه این جنایت‌ها برخیزند و با تمام قوا به خنثی کردن آن کمک کنند.

ما بارها گفته‌ایم و بازم تکرار میکنیم که عمال امپریالیسم مترصد فرصتند تا با اینگونه جنایت‌ها و حادثه‌سازیها در صفوف نیروهای انقلابی ایران تفرقه افکنند و دستیاران خود را در همه مقامات تقویت کنند. این فرصت را باید از آنان سلب کرد.

ما بارها گفته‌ایم و بازم تکرار میکنیم که از رژیم ضد خلقی پهلوی بسیاری ناسامانها به ارث مانده، که انقلاب برای پیروزنی کامل خود، باید آنها را هر چه زودتر سامان دهد. از آنجمله است ستم ملی، که باید شرایط رفع آنرا فراهم کرد. باید نظام شورائی را ببنیاد واقعی کلمه در سطح کشور پیاده کرد و حقوق پایمال شده خلقهای ساکن ایران را به رسمیت شناخت تا زمینه نارضائی‌ها، که گاه مورد سوءاستفاده ضد انقلاب - از درون و بیرون مرزها - واقع میشود، از میان برود.

ما بارها گفته‌ایم و بازم تکرار میکنیم که باید با امپریالیسم جنایت‌پیشه آمریکا قاطع تر از این عمل کرد و قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا را لغو کرد. حفظ این قرارداد نه فقط جنایت، پیشگان را دلگرم میسازد و تشویق میکند، بلکه اسباب و وسایل کار در اختیار آنان میکند.

ما اطمینان داریم که کارگران آگاه و انقلابی صنایع نفت و همه مردم خوزستان، با تجربه چند دهه‌ساله‌ایکه از ستم‌های امپریالیستهای نفتخوار دارند، در برابر جنایت‌ها و توطئه‌های آنان هشیاری انقلابی از خود نشان خواهند داد و صفوف خود را در برابر ضد انقلاب فشرده تر خواهند کرد. آنها بهتر از هر کسی میدانند که شمار نفت خواران همواره «تفرقه بیانداز و حکومت کن» بوده است. در مقابل آن، شعار ما باید تحکیم هر چه بیشتر اتحاد نیروهای انقلابی باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ مهرماه ۱۳۵۸

### مسئله کردستان را با مذاکره حل کنید

نهضت پاسداری از انقلاب اسلامی ایران خواستار حل مسئله کردستان از راه مذاکره شده است.

« نهضت پاسداری از انقلاب اسلامی ایران » طی اطلاعیه‌ای ضمن تشریح بحرانهای موجود در کشور و از جمله در منطقه کردستان، تاکید کرده است که همه مردم بایستی تحت رهبری امام خمینی، در شرایط کنونی به امر سازندگی پرداخته و در رفع بحرانهای موجود بکوشند. در این اطلاعیه با اشاره به حملات تبلیغاتی که علیه گروههای دانشجویی مسلمان «مخالفت انحصارطلبی» در دانشگاهها و مراکز آموزش صورت میگیرد، اینگونه حملات محکوم شده و خواسته شده است که اقشار مردم اختلافات فرعی را کنار گذاشته و برای برطرف کردن بحرانهای موجود کشور همفکری و همکاری کنند. در اطلاعیه سپس خاطر نشان شده است، کدام عقل سلیمی اجازه می‌دهد بحران کردستان که بر اثر توطئه‌های امپریالیسم، سیا و صهیونیسم بوجود آمده، جز از راه مذاکره حل شود، آیا باید شاهد برادرکشی بیشتری در این منطقه باشیم؟

(اطلاعات - ۱۲ مهر)

### در مطبوعات کشور

#### خلق ایران را از ستم مالی بانکها نجات دهید

بانکهای ایران در واقع بصورت صرافی‌های بزرگ درآمد و مراکز عمده رباخواری بودند و متاسفانه هم‌اکنون نیز چنین وضعی دارند. دلخوش بودیم که با انقلاب ایران میتوانیم از یوغ استعمار یزدانی‌ها و رضائی‌ها و غیره بیرون بیاییم و میتوانیم سر بلند کنیم. اما متاسفانه می‌بینیم از خاک نجات

### همه نیروهای انقلابی باید به حل مسأله آمیز و عادلانه مسئله کردستان کمک کنند

مسئله آمیز و عادلانه، در مسیر پیشرفت و تکامل خود ممکن است به انواع موانع برخورد کند که به عقیده ما، با اتکاء به ضرورت حفظ منافع انقلاب و خلق، همه آنها رفع شدنی هستند. مثلا ممکن است کسانی چنین فکر کنند که مذاکره با کی؟ مگر دولت هم با ملت خودش مذاکره میکند؟ به عقیده ما پاسخ این سؤال بکلی روشن است، نه تنها دولت با ملت خود، بلکه اگر صلاح خانواده ایجاد کند، حتی پدرم با فرزند خودش مذاکره میکند. در حوادث کردستان نیز، در رای کلیه تحریکات و سائس نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی و ارتجاعی، ما باید خلق ستمدیده، قهرمان و آزادی‌دوست سر و کار داریم، که جزء لاینفک خانواده بزرگ و خلل ناپذیر ما است. باید آنچه را حق است و حرف خلق کردار است، بدقت و با حوصله و در نهایت تفاهم شنید. باید به اصطلاح، دیوار روحی را شکست؛ با سیاست مبتکرانه انقلابی راه برادرکشی و نفاق را بست و راه روشن و پرسامدت برادری و اتحاد را باز کرد. چنین گام انسانی نه تنها «کسر شانی» برای هیچ یک از طرفین و هیچ مقام و شخصیتی ببار نخواهد آورد، بلکه برعکس، دلیل بر خردمندی، صداقت و بزرگواری آنان خواهد بود.

بقیه از صفحه ۱

باید این واقعیت را درک کرد که، همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بیان گردیده، مسئله کردستان یک مسئله نظامی نیست، تا از طریق نظامی قابل حل باشد، بلکه یک مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مسئله خلق ستمدیده و محرومی است که حق دارد خواهان رهایی از ستم ملی باشد و بدون رفع ستم اجتماعی و ستم ملی، راه آزادی و سعادت و ترقی بر وی آویزان نخواهد شد. اگر فرضاً امروز هم یک پدر کرد از طریق نظامی مجبور به سکوت شود، فردا پسر او با اصراری به مراتب شدیدتر خواهان آن حقوقی خواهد شد که پدرش میخواست، ولی تا همین نکشت، زیرا بر سر آتش بودن و نجوشیدن امر محالی است.

جلسه‌ای که به ابتکار نماینده امام در مهاباد تشکیل شد و مادر شماره پریوز «مردم» آنرا «نشانه‌های امیدبخش در راه حل کردستان» نامیدیم و مورد تهنیت صمیمانه قرار دادیم، به اعتقاد ما سر آغاز خط مشی مردمی و انسانی است که باید مورد تأیید و حمایت همه احزاب، نیروها و شخصیت‌های ملی و مترقی و همین دوست کشور قرار گیرد. این خط مشی درست، یعنی راه حل مذاکرات

### سخنان امیدبخش در جهت گیری سیاست خارجی ایران:

بقیه از صفحه ۱

آنکولا و غیره) قراردادند، که ما باید با آنها بهترین روابط دوستانه و همکاری همه‌جانبه برقرار کنیم. زیرا «اگرما دست بدست آنها ندهیم و امپریالیسم را در تمام دنیا در تنگنا نگذاریم، آنها (امپریالیسم و دستیاران و دست‌نشانگان و عمالشان) با قدرت بیشتری می‌آیند و دوباره ما را در تنگنا قرار خواهند داد» و انقلاب آزادبخش خلق ما را در معرض خطرات جدی قرار خواهند داد.

یک چنین موضکی قرار گرفتن در جبهه جهانی مبارزه بر ضد امپریالیسم - با محتوا و مضمون اصلی و واقعی سیاست عدم تمهید فعال و مثبت، نه فقط ناسازگار نیست، بلکه انطباق کامل دارد. زیرا محتوا و مضمون اصلی جنبش «غیرتمهیدها» جز تشکیل جبهه‌ای بر ضد استیلاگری امپریالیسم بین‌المللی و بسویژه امپریالیسم امریکا، در تنگنا قرار دادن امپریالیسم، بخاطر ایجاد امکان کسب استقلال اقتصادی و سیاسی واقعی، بخاطر ایجاد امکان برای حفظ صلح و تحکیم آن، که نیاز حیاتی تمام خلق‌های جهان و ضرورت برای سازندگی زندگی است، چیز دیگری نیست. به همین دلیل جنبش فقیر متهمدها، مورد پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بوده و هست و نیز بسبب اینکه اتحاد شوروی و هم‌پیمانانش در «همپان ورشو»، خود مخالف صدیق و جدی هر نوع بلوک‌بندی نظامی هستند و بارها پیشنهاد کرده‌اند که پیمان «قاتو» و «ورشو» (که بعد از ناتو و برای دفاع در برابر پیمان تجاویزی «ناتو» بناچار تشکیل یافت) یکجا و همزمان ملغی شوند.

یک چنین موضکی قرار گرفتن در جبهه جهانی مبارزه بر ضد امپریالیسم - بهمان نسبت که با سیاست عدم تمهید فعال و مثبت وفق میدهد، با نظریه «موازنه منفی» به معنای دوری یکسان از «دو ابرقدرت» - اتحاد شوروی سوسیالیستی و امپریالیسم جهانخواه امریکا) متناقض است. نظریه «موازنه منفی» - نظریه ایست مضر، زیرا اگر تحقق یابد، به معنای جدا کردن کشور از جبهه ضد امپریالیستی و در نتیجه غلظت دادن تدریجی به جبهه امپریالیسم و یا حداقل راندن کشور به انزوای سیاسی است، که ناگفته پیداست «ما را در تنگنا» قرار خواهد داد و هر طعمه خوبی برای امپریالیسم خواهد بود.

سخنان آقای دکتر یزدی، که ما عیناً آنرا در آغاز مقال نقل کردیم، این امید را بر میانگیزد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رفته رفته دارد تصحیح و تنقیح میشود و در جهت قرار میگیرد که پاسخگوی انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و آزادبخش خلق ما گردد.

شخصیت‌ها بسیار محدود و مخصوص قشر معینی باشد.

چنین امیدواری وجود داشت و هنوز هم وجود دارد که بتوان برای اداره امور مملکت در حوزه بازی از روشنفکران و تحصیل کرده‌ها و افرادی که سابقه وابستگی فوق‌العاده به رژیم بیگانگان نداشته‌اند، استفاده کرد.

(دکتر باهنر، عضو شورای انقلاب - انقلاب اسلامی، ۱۲ مهر)

#### تضاد اصلی با امپریالیسم امریکا است

انجمن اسلامی دبیرستان فرخی (وابسته به سازمان جوانان مجاهد) معتقد به مبارزات مکتبی مبنی بر جهان‌بینی توحیدی بوده، در شرایط کنونی مبارزات ضد امپریالیستی، ضداارتجاعی و ضد استعمار را در صدر قرار داده و پذیرش آن را برای اعضای ضروری می‌داند، انجمن بنابه نگرش توحیدی خود و به مصداق آیه «لا اکراه فی الدین...» معتقد است که کلیه احزاب، دستجات و گروهها بایستی از حقوق دمکراتیک بهره‌مند باشند. انجمن در مرحله کنونی تضاد اصلی را با امپریالیسم امریکا دانسته و با ارتجاع داخلی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم مبارزه سیاسی و افشاگرانه می‌نماید.

(اطلاعات - ۲ مهر)

«مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹ چاپ: کاروان

مگر نه اینکه امام مکررأ تاکید فرمودند که اگر تمام بنیادها دگرگون نشوند و از شکل طاغوتی به شکل توحیدی در نیایند، همان مسائل و مشکلات باقی خواهند ماند و مگر نه اینکه مرحوم طالقانی در یکی از مصاحبه‌ها ایشان اظهار داشتند که بهره‌کشی بانکها بدتر از استثمار است؛ با همه اینها و با وعده و وعده‌های مکرر مقامات دولتی دائر بر حذف بهره، که هر روز هر روز در رسانه‌های گروهی انتشار یافته است، متاسفانه تاکنون اقدامی جدی در این باره نشده است.

اکنون وظیفه دولت است که خلق رنج‌دیده و ستم‌کشیده ایران را از زیر ستم مالی بانکها نجات دهد و همانطوریکه برای مسائل مختلف مملکتی سرمایه‌گذاری می‌نماید، بخاطر کمک و جبران ضررهای و آبرو گدازان دوره طاغوت هم‌میلنی را در نظر بگیرد و یا لااقل اگر نمیتواند به خواسته مردم، که می‌گویند چون اموال طاغوتیان ضبط شده باید بنفع مردم باشد و اقساط دریافت نکرده، جامعه عمل ببوشاند به کار مزدجانی اکتفا نموده و نظام دیگری را که منطبق با اصول اسلامی باشد جایگزین نظام پیوسیده گذشته نماید.

(انقلاب اسلامی - ۱۲ مهر)

قرار نبود نیروها از قشور معینی باشند قرار نبود در جمهوری اسلامی حوزه به کار گرفتن نیروها و

### نفوذ و اعتبار حزب توده ایران گسترش می‌یابد

دست می‌زنند. در صورتیکه یکسانه راه درست برخورد های ایدئولوژیک و سیاسی بحث‌های آزاد و دوستانه و منزه از هرگونه اهان و زور گوئی است. ماهیچه و باکمال خیل و در کلیه سطوح و در باره هر موضوعی و بدون کوچکترین پیشداوری آماده بحث دوستانه و سازنده هستیم و منتقدین خود را با اینکه به بحثها دعوت میکنیم. و اما گروه دیگری از معارضان علیه حزب توده ایران کسانی هستند که مرتباً تهمت و افترا می‌زنند، روزی حزب توده ایران به فرصت طلبی، روز دیگر بد ناله روی و روز سوم به خصم‌ارتجاعی دیگری منسوب می‌سازند. اینها اکثر کسانی هستند که بملت درک نادرست از جامعه هستند. کنونی ایران و از انقلاب ایران، خود در دست انداز افراط یا باطلاق تفریط گرفتار گشته و پای رفتن را از خود سلب کرده‌اند. ما با این متقدمان نیز آماده بحث دوستانه و سازنده هستیم و آرزو مندیم بکمک اینگونه بحثها و دیگر وسائل معقول، راه مشترک خود را بیابیم، دست در دست هم نهیم و با اتحاد خود نیرومندتر شویم و با نیروی بیشتری در پاسداری انقلاب خلق رنج‌دیده خود بایستیم، زیرا سر نوشت این انقلاب به اتحاد هر چه وسیع‌تر و هر چه عمیق‌تر آگاه‌ترین و مبارزترین نیروهای میهن نیاز مبرم دارد.

گروهی نیز هستند که شایبه می‌سازند و دروغ می‌پراکنند، از قبیل اینکه گویا در میان اعضای رهبری حزب توده ایران نفاق افتاده و یا اینکه گویا در حزب توده ایران انشعاب رخ داده و انواع شایعات

و انقلابی راه‌مورد تأیید و تحسین قرار میدهند و به حزب مجرب و آزموده ما، که ریشه‌های تاریخیش با سوسیال‌دمکراسی انقلابی، حتی قبل از انقلاب مشروطیت، و حزب کمونیست که نسل ایران پیوند دارد، با نظر احترام و اعتقاد عمیق تری مینگرند. آنانکه به مبنای عمیق خلقی انقلاب ایران عقیده دارند و میدانند که باید دستاوردهای این انقلاب بازگشت ناپذیر گردد و کاروان انقلاب فقط به پیش برود، از صمیم قلب آرزو میکنند که حزب توده ایران نیز، به مثابه جدی‌ترین و آگاه‌ترین و اصولی‌ترین سازمان سیاسی، کشور ما و یار و مددکار این تحول عظیم تاریخی، هر روز نیرومندتر، صدایش رساتر، دایره عملش وسیع‌تر و تأثیرش بر زندگی سیاسی و اجتماعی کشور عمیق‌تر و ویر بارتر گردد. رمز موفقیت حزب ما در همین درک عمیق توده‌هاست.

در کنار این توده آگاه و روشن بین، متاسفانه محافل نیز وجود دارند که راه دیگری در پیش گرفته‌اند و حتی برخی از آنان آشکارا با حزب توده ایران خصومت می‌ورزند. برخی از این محافل، گروهها و افراد، بی آنکه در باره جهان‌بینی حزب توده ایران کتابی خوانده باشند، بی آنکه مشی سیاسی حزب ما را بررسی کرده باشند، بی آنکه روزنامه «مردم» و سایر نشریات حزب ما را مطالعه کرده باشند، کورکورانه به حزب ما می‌تازند، بدردیور شعار ضد توده‌ای می‌نویسند، مانع پیشی‌نشریات حزب ما میشوند و حتی گاهی به تعرض علیه اعضاء و هواداران حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران از حالت مخفی بصورت علنی درآمده، از محدودیتهایی که مبارزه مخفی ایجاد میکرد، اصولاً رهایی یافته و امکان ارتباط وسیع با توده‌های مردم را از یک حزب مخالف با رژیم حکومتی کشور (رژیم دست‌نشانده و فاسد پهلوی) و رزمنده در راه سرنگونی آن، به حزب مدافع رژیم حکومتی کشور (جمهوری اسلامی ایران) و کوشنده در راه تحکیم این رژیم بر مبنای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی میدل گشته است. این تغییر کیفی منشولیت و وظایف حزب ما را صد بار سنگین‌تر می‌سازد.

با احساس خرسندی باید بگوئیم که با وجود ضربات سنگین که رژیم جنایتکار پهلوی به حزب ما زده بود و گرچه فقط نزدیک هشت ماه از تجدید فعالیت علنی حزب میگذرد، ولی حزب توده ایران به برکت سیاست اصولی و انقلابی و مشی درست خود و در نتیجه زحمت و فداکاری اعضاء و هواداران خود و کمک مردم، در تمام زمینه‌های سیاسی، سازمانی، تبلیغی و غیره به کامیابیهای قابل توجهی دست یافته است. از جمله در زمینه سیاسی، مشی حزب توده ایران در باره انقلاب و جمهوری اسلامی، که با برخورد علمی و احساس مسئولیت در باره سر نوشت خلق و میهن بی‌ریزی گردیده، به پیروزی چشمگیری نائل گشته است. درستی این مشی هر روز بسا واقعیات زندگی با ثبات میرسد و هر بار قشرهای بیشتری از مردم این مشی عمیقاً اصولی

عظیم همه مشکلات، مخالفتها، افتراها و دروغ‌پراکنی‌ها، با اتکاء بر گنجینه عظیم تجارب خود، بر پایه سیاست اصولی و انقلابی خود و بیاری همه طبقات و اقشار مردمی ایران، در مرحله جدید تاریخ پر افتخار خود با استواری و بدون تزلزل گام برمیدارد و بسا وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی بسابقه و با روحی سرشار از شور انقلابی و وقار انقلابی و با تمام توانائی خود میکوشد که نقش برآزنده خویش را در این دوران پر مسئولیت تاریخ ایران ایفاء کند.

تحلیلی از اوضاع جهان (۲)

روند واحد انقلاب جهانی

احسان طبری



ياسر عرفات (برادر ابوعمار) وارد پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان شد

خبرگزاری وفا خبر میدهد، برادر ابوعمار، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین، روز ۱۴ مهرماه برای شرکت در سیامین سالگرد تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان، وارد برلین شد. گروهی از رهبران حزب سوسیالیست واحد آلمان و نماینده فلسطین در برلین و سفیران کشورهای عربی و نمایندگان کشورهای سوسیالیستی و دوست از وی در فرودگاه استقبال کردند.

گزارشگر وفا می افزاید: انتظار می رود برادر ابوعمار با لئونید برژنف، که اکنون برای شرکت در این جشن در برلین بسر میبرد، دیدار کند. برادر ابوعمار و همراهان قبل از ظهر پیرروز، بعد از یک دیدار رسمی یک روزه از ترکیه، آن کشور را به قصد آلمان دمکراتیک ترک گفتند. هنگام خروج آنها از ترکیه، مراسم خداحافظی رسمی از سوی نخست وزیر و کفیل وزارت خارجه و وزیر کشور و تنی چند از مقامات آن کشور و سفیرای عرب انجام گرفت. برادر ابوعمار مذاکرات مهمی با مقامات ترکیه درباره اوضاع جاری منطقه و روابط فلسطین و ترکیه انجام داد.

با ورود ابوعمار به آنکارا دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین بطور رسمی در آنجا گشایش یافت. سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین در یک کنفرانس مطبوعاتی، پیش از خروج برادر ابوعمار از ترکیه، این مذاکرات را مثبت توصیف کرد و گفت: روح تفاهم و روابط دوستانه بر فضای مذاکرات حاکم بود و ترکیه نقش مثبتی در حمایت از انقلاب فلسطین ایفا خواهد کرد.

این سخنگو قرارداد خیانت آمیز مصر و اسرائیل را رد کرده و گفت: تلاشهای فلسطین جهت پایان دادن به این معاهده ننگین ادامه خواهد یافت.

امپریالیسم، متحدنژادپرستان

شرکت کنندگان در کمیته ویژه سازمان ملل متحد، که به مسائل اجتماعی و فرهنگی رسیدگی میکنند، اعلام کردند: نژاد پرستی و تبعیض نژادی مایس با آرمان خلقها و اصولی است که بخاطر آن سازمان ملل تشکیل شده است. سخنرانان گفتند: حفظ نژاد پرستی یک پدیده شرم آور و مشتمل کننده است. چند سخنران افریقایی اعلام کردند: حمایت مادی و معنوی غرب از رژیمهای نژادپرست، به این رژیمها امکان میدهد که همچنان قدرت را حفظ کنند.

تحریرات جنگی آمریکا در خلیج فارس

به گزارش خبرگزاریها، سخنگوی وزارت جنگ آمریکا اعلام کرد که نیروی دریایی این کشور اخیراً دو ناوشکن دیگر به منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس گسیل داشته و قرار است باز هم به شمار کشتیهای جنگی خود در این مناطق اضافه کند. فعالیت های نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس با واکنش شدید بسیاری از کشورهای این مناطق روبرو شده است. وزیر خارجه هند طی نطق خود در مجمع عمومی سازمان ملل، از تقویت پایگاه نظامی دیگو گارسیا ابراز نگرانی کرده است.

ادامه سیاست «چماق بزرگ»

روزنامه یرودا، در تفسیری پیرامون تحولات اخیر در مورد کانال پاناما، می نویسد: «کاخ سفید بخاطر مبارزه قهرمانانه خلق پاناما و بخاطر فشار روزافزون افکار عمومی امریکایی لاتین و جهان مجبور شد با دولت پاناما مذاکره کند». این روزنامه می نویسد: «معاذات تازده در مورد کانال پاناما نمایانگر پایان موافقت نامه اسارت بار سال ۱۹۰۳ است، که بموجب آن، امپریالیسم امریکا قسمتی از سرزمین پاناما را به پایگاه استعماری خود تبدیل کرده بود». یرودا می نویسد: «حقایق نشان میدهد که امپریالیسم امریکا به هیچ روی، بزعم اطمینانهای داده شده، سیاست «چماق بزرگ» را کنار نکذاشته است. اکنون زمامداران واشنگتن باشتاب نیروهای واکنش سریع را تشکیل میدهد تا باصطلاح در نقاط «داغ» وارد عمل شوند».

امیدهای بر باد رفته

وزیر خارجه لیبی اعلام کرده که پیمان کمپدیوید، که بر اثر فشار امریکا امضاء شد، اوضاع خاورمیانه را بیچیده تر کرده است. وی گفت: «امریکا امیدوار بود دیگر کشورهای عرب از روش خائنانه سادات پیروی کنند، اما جریان حوادث این امید را بر باد داد و جهان عرب کاملاً با طرح کمپدیوید مخالفت کرد» و وزیر خارجه لیبی گفت: «اکنون رژیم سادات نیز همراه با اسرائیل نقش حافظ منافع امپریالیسم امریکا را در منطقه به عهده گرفته است».

وقتی از «جهان صنعتی» سخن میگوئیم، نقطه سنگین روی امریکا و کانادا و اروپای غربی و ژاپن میافتد که بیش از ۶۰٪ تولید صنعتی را در دست دارند و خود مهمترین واردکننده مواد اولیه (نفت و گاز و فلزات و خواربار و میوه و غیره) از «جهان سوم» هستند و این سیاست را بر اساس شیوه معروف به «شیوه قیچی» (یعنی محصولات معدنی و کشاورزی را ارزان بخری ولی کالاهای صنعتی را بسیار گران بفروشی) اجرا میکنند.

کافی است بدانیم کشورهای صنعتی غرب، در عرض بیش از سی سال بعد از جنگ دوم جهانی، بیش از ۵۵ برابر دوران استعمار، که طول مدت آن از صد و پنجاه سال کمتر نیست، غارتگری کرده اند. ششمه «تمدن غرب» از اینجاست. بقول ادیب پیشاوری: آن شمشید بوستان لندن از پژمردگی از بهارستان هندوستان ضیاوشم گرفت.

کشورهای سه قاره مجبور بودند ابتدا از یوغ سلطه مستقیم امپریالیسم خلاص شوند و سپس در جاده «پیکار برای احراز برابری اقتصادی» پای گذارند.

امپریالیسم بدست عمالاش، مانند محمد رضا، پینوچت، ساموزا، سادات و این نوع خائنان پلید، با تمام نیرو کوشیده و میکوشد سیطره خود را کاملاً حفظ کند.

امپریالیسم با ایجاد «سکو»های قدرت دست نشانده، مانند اسرائیل، افریقای جنوبی، مصر، عربستان سعودی، اندونزی، برزیل و امثال آن، سعی دارد نفوذ و سلطه خود را در سه قاره نگاه دارد.

عوامل رفیقای تهرنجی در کار تهرها درباره «حقوق بشر» در مقابل واقعیت غارتگری دهنمنشانه امپریالیسم، چه از روی و سنگی دارد؟! نویسنده بزرگ درس، لوتولستوی، بعنوان تمثیل می نویسد: «من بر پشت یک انسان سوارم. او خم شده و عرق ریزان مرا بر پشت خود حمل میکند. من با او و به خودم و بهمه دیگران اطمینان میدهم که بسیار بخاطر این مرد متاسفم و چقدر مایلم بسارش را با کلیه وسائل ممکنه سبک کنم، ولی جز بایک وسیله و آن اینکه از پشتش پیاده شوم!» این سخن، مصداق «حقوق بشر» مدامریکاست.

تجربیک به مناسبت سی و هشتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران و انتشار مجدد «مردم»

رفقای محترم کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن سی و هشتمین سالروز تاسیس حزب توده ایران و انتشار مجدد «مردم» را به شما رفقای محترم و اعضاء و هواداران و دوستان حزب تبریک و تهنیت میگوئیم امید آن است که با فعالیت گسترده و همه جانبه آرمان های حزبمان را تحقق بخشیم. هواداران حزب توده ایران - مهاباد ایران - قهر شیرین

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاریهای اعضاء، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضاء، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن های ۹۴۳۴۵۹، ۹۴۳۵۷۲۸ - ۹۴۳۴۵۹۹ - ۹۴۳۴۵۹۹ - ۹۴۳۴۵۹۹ از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

- ۱- حساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۴۴۴۴، شعبه ۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).
- ۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۳۱۱۰ بانک صادرات

یکی از مقولات مهم و پایه ای که برای دریافت ماهیت حوادث جهان معاصر، ضرور است با آن آشنا شویم، مقوله «روند واحد انقلاب جهانی» است. در این باره باختصار توضیح میدهیم: اکنون سه نیروی عمده انقلابی در جهان مشغول عمل است.

- ۱- کشورهای سوسیالیستی؛
- ۲- جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری؛
- ۳- جنبش رهایی بخش ملی در کشورهای موسوم به «جهان سوم».

درباره هر یک از این بخشهای سه گانه جنبش، توضیحات کوتاهی را سودمند می شمردیم:

۱- کشورهای سوسیالیستی اکنون ۴۰٪ تولید صنعتی جهان را ایجاد میکنند. مقایسه ایستگاه مداری شوروی موسوم به «سالیوت»، که دو بار حد نصاب مسافری را از جهت زمانی شکانده و اخیراً سر نشینان آن در فضا بوده اند و یکبار زمین را در بیرون از سفینه دور زده اند و سالیان متمادی است بار و مسافر می پذیرد و بی خدشه کار میکند، با ایستگاه مداری امریکائی موسوم به «سکای لب»، که قرار بود با هواپیمای «شغل» یا ماکو، رابطه بین زمین و فضا را برقرار سازد، نشان میدهد که در عرصه های قاطع علم و تکنیک امروزی (مانند تکنیک موشک، لیزر، الکترونیک، میکروالکترونیک، رهبری و راهنمایی از دور، خودکار کردن، ایجاد شرایط مصنوعی زندگی و غیره و غیره)، تناسب و قیاس بین دو کشور شوروی و امریکا از چه قرار است، «سکای لب»، بدون آنکه بتواند رابطه خود را با زمین برقرار کند، چند هفته پیش سقوط کرد. سقوط «سکای لب» یک ماتم واقعی برای علم و تکنیک امریکا، پس از ناکامیهای «ناسا» در دوران کندی بود. معلوم شده که در پیشاترین مرزهای دانش و فن، امریکا عقب ماندگی نشان میدهد. اخیراً «نیویورک تایمز» نوشت که غرب در دوران عقب ماندگی مهمی از جهت فن و فن آوری (تکنولوژیک) نسبت به کشورهای سوسیالیستی اروپای خاوری قرار دارد. «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»

کشورهای سوسیالیستی اکنون به عامل قاطع تاریخ بدل شده اند. این تصریحی است که طی سالهای اخیر از طرف تئوریسین ها و رهبران شوروی بکرات شده است. کشورهای سوسیالیستی ابتکار تاریخی را در دست دارند. دورانی بود که بورژوازی امپریالیستی، بی کفایت، آنچه میخواست، میکرد. ولی این دوران بی بازگشت، گذشته است.

۲- جنبش انقلابی کارگری در کشورهای رشد یافته سرمایه داری در حال گسترش در عرض و عمق است. در اتحادیه های کارگری جناح چپ بسط مییابد. مبارزه طبقاتی پر لثاریا علیه بورژوازی تشدید می پذیرد. از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۶، ۵۰ میلیون کارگر، از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۰، ۱۵۰ میلیون کارگر و از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱، ۱۵۰ میلیون کارگر در اعتراضات شرکت کردند. تعداد اعضاء اتحادیه های کارگری از ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۹۴۱ به ۲۵۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۳ بالغ شد. چنانکه می بینیم، آماری که در دسترس ما بود، کهنه است. در سالهای اخیر این ارقام بسی فزونی گرفته است.

اکنون در بیش از هشتاد کشور سرمایه داری، احزاب کمونیستی و کارگری انقلابی فعالیت میکنند. در احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات نیز تحولاتی دیده میشود. جناح چپ این احزاب بیش از پیش کسب نفوذ میکند و رهبری این احزاب را، گاه به مانور و گاه به عقب نشینی هائی و امیدارد.

۳- جنبش رهایی بخش در «جهان سوم» موفق شده است سد دوزخی استعمار را بشکند و اکنون در کار نبردی سخت با نواستعمار است که میخواهد سیطره زبان بار اقتصادی کشورهای امپریالیستی را در آسیا، افریقا و امریکای لاتین حفظ کند. اجلاسیه بیش از صد کشور غیر متعهد، که اخیراً در هاوانا (کوبا) برپاست فیدل کاسترو تشکیل شد و در آن برای نخستین بار کشور ایران هم شرکت جست، نشان داد که قدرت و وحدت «جهان سوم» در حال فزونی است.

بوضع کشورهای «جهان سوم» نظری افکنیم: مساحت کشورهای «جهان سوم» نسبت به «جهان صنعتی» (بنا به تصریح مجله فرانسوی «نول اسپرواتور» در فوریه ۱۹۷۶) برابر ۶۰ به ۴۰ است، یعنی تقریباً یک برابر و نیم. جمعیت آنها به نسبت ۲۴-۷۶ است، یعنی نفوس «جهان سوم» سه برابر «جهان صنعتی» است. تولد در «جهان سوم» به نسبت ۱۱/۷ به ۸۸/۳ است، یعنی در «جهان سوم» سالانه به نسبت هشت برابر «جهان صنعتی» کودک بدنیا می آید. ولی درآمد به نسبت ۱۸-۸۲ است، یعنی «جهان صنعتی» چهار برابر «جهان سوم» درآمد دارد (با قریب یک ثلث جمعیت «جهان سوم»)، و مصرف به نسبت ۱۸/۵-۸۱/۵ است، یعنی «جهان صنعتی» ۴-۱/۲ «جهان سوم» مصرف میکند. این ارقام

واقعا غم انگیز نشان میدهد که «جهان صنعتی» با مساحت و جمعیتی برآب کمتر، درآمد و مصرفی چندین برابر «جهان سوم» دارد و یک دهم ظرف فقر و ثروت ورشد و عقب ماندگی بین این دو جهان موجود است.